مقدمه

بچه­هاي فارغ التحصیل دور هم نشسته بودند و خاطرات اردوهای گذشته را مرور می­کردند. یکی از بچه­ها گفت من از سپهر خیلی چیزها یاد گرفتم که مهم­ترین آن، برخورد بسیار خوب مسئولین سپهر بود چون واقعا بعضی از رفتار­های ما را تحمل می­کردند و بسیار خوب با ما برخورد می­نمودند. در حالی که ما همین رفتارها را در فضاهای دیگر هم داشته­ایم، اما برخورد بسیار بدی با ما داشتند و ...

آنچه در متن فوق خواندیم قسمتی از خاطرات یکی از بچه­های فارغ التحصیل بود، که در اردوی تجمیعی سال91 در رامسر شرکت داشت.

به نظر شما علت این دو برخورد کاملا متناقض در چیست؟

برخی از مربی­ها در یک فضا از یک صفت اخلاقی مهم بهره می­بردند که دیگران، در فضاهای دیگر، از آن بی­بهره و یا کم بهره بودند. به آن صفت اخلاقی مهم سعه صدر می گویند.

یکی از مهم­ترین صفت­های تربیتی که می­بایست در رفتار یک مربی سپهری نمود داشته باشد سعه صدر است. چنانچه حضرت على عليه السلام مى‏فرمايد: «الَةُ الرِّياسَةِ، سَعَةُالصِّدْرِ[[1]](#footnote-1)» ابزار قبول مسئولیت، سعه صدر است.

سعه صدر چیست؟

مراد از شرح صدر، فراخى سينه است بگونه‏اى كه از يك سو وسعت و توان دريافت الهامات الهى را داشته باشد و از سوى ديگر، مصيبت‏ها، سختى و اذيت در راه خدا را تحمل کند[[2]](#footnote-2).

از رسول اكرم صلى الله عليه و آله پيرامون شرح صدر پرسيدند، ايشان پاسخ داد: «نوُرٌ يُقْذِفُهُ اللَّهُ فى‏ قَلْبِ الْمُؤمِنِ فَيَشْرَحُ صَدْرَهُ وَ يَنْفَسِخُ[[3]](#footnote-3)». فروغى است كه خدا در دل مؤمن مى‏افكند و سينه‏اش را توسعه مى‏دهد و باز مى‏شود. پرسيدند: آيا نشانه‏اى دارد تا بدان شناسايى شود؟ فرمود: آرى، جدا شدن از سرای دنیا، روى آوردن به آخرت و آمادگى براى مرگ، پيش از آنکه مرگ فرا برسد نشانه شرح صدر است‏.

شرح صدر آنقدر در تربیت اسلامی مهم است که انبیاء بزرگ الهی از جمله حضرت رسول صل الله­علیه و آله از آن برخوردار بودند و در آیات متعددی از قرآن به آن اشاره شده است. چنانچه در سوره الشرح می فرماید: أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ. آیا ما به تو شرح صدر عطا نکردیم؟

حضرت موسى عليه السلام، وقتى به دريافت رسالت خدا مفتخر گرديد، احساس كرد كه براى ادامه راه، به شرح صدر نياز دارد، از اين رو ملتمسانه از خدا چنين خواست:

«رَبِّ اشْرَحْ لى‏ صَدْرى‏ و يَسِّرْلى‏ امْرى‏ وَاحْلُلْ عُقْدَةٍ مِنْ لِسانى‏ يَفْقَهوا قَوْلى[[4]](#footnote-4)‏» پروردگارا! سينه‏ام را فراخ فرماى و كارم را آسان ساز و گره از زبانم بگشاى تا سخنم را بفهمند.

ما نیز، اگر بخواهیم در این راه گام برداریم باید ملتمسانه از خداوند این نعمت عظیم را بخواهیم و دعاهای خود در نماز و غیر نماز به این نکته توجه داشته باشیم.

بعضى از دل‏ها بقدرى كوچكند كه احساس كمترين قدرت آنها را پر مى‏كند و با لبريز شدن ظرف دل، تعادل آنها به هم مى‏خورد، در فراز و نشيب‏هاى مسؤوليتى خود، متانت و وقار خويش را از دست مى‏دهند، موفقيت‏ها و پيروزى‏ها صفحه دل آنها را پر كرده، با اندك موفقيتى شاد و با كوچك‏ترين شكستى غمگين، پژمرده و نااميد مى‏گردند، خود را گم مى‏كنند و در نتيجه از درك مسائل و مشكلات اطراف خود غافل مى‏شوند.

در مقابل، بعضى نيز آنقدر از وسعت نظر و ظرفيت روحى برخوردارند كه احساس قدرت و حكومت بر همه جهان، دل آنها را پر نمى‏كند و اگر حكومت دنيا را نيز به آنها بدهند، كوچكترين تغييرى در زندگى خصوصى و برخوردهاى عمومى آنها پديد نمى‏آيد.

حوادث و مشکلاتی که در اردو به وجود می آید سبب نشود تا رفتار ما با دیگران تغییر یابد و ناراحتی شخصی خود را با برخوردی منفی به دیگران نیز سرایت دهیم.

زندگی اردویی فضایی بسیار مناسب برای رشد کرامات اخلاقی است. اسلام کسب کرامات اخلاقی را در عزلت گزینی و گوشه نشینی نمی­داند بلکه می بایست در وسط میدان حوادث آن را کسب و پیاده کرد. در اجتماع ما به ضعف های وجودی خود پی می بریم و متوجه می شویم که کدام یک ار صفات اخلاقی را دارا نیستیم. یک ماشین تا وقتی که خاموش است و حرکتی ندارد عیوب خود را نشان نمی دهد اما اگر آن را روشن کنیم و به حرکت در آوریم به عیوب آن پی می بریم. علت اینکه برخی عصبانی نمی‌شوند به این خاطر نیست که از شرح صدر برخوردار هستند در حالی که ممکن است اگر فضای اردویی و قبول مسئولیت را تجربه کنند در آزمون سعه صدر مردود شوند.



برخی از مصادیق کاربردی سعه صدر

● اگر کسی از افراد زیر مجموعه به صورت

غیر عمدی مرتکب خطائی شد عذر او را بپذیریم

و به او کمک کنیم تا خطاء خود را جبران کند.

● اگر کسی به ما اعتراضی نمود سعی نماییم با حوصله برخورد کنیم و اگر شیوه کار ما ضعف دارد آن را با زیرکی برطرف نماییم.

● اگر کسی در اردو مشکلی ایجاد نمود سعی کنیم آن را کنترل نماییم و مشکل را میان دیگران سرایت ندهیم.

● از درد دل کردن پیرامون مشکلات بپرهیزیم ­و ­اگر درد دلی داریم آن را با خدای خودمان­در میان بگذاریم.

● در برابر حسادت دیگران صبر نماییم و مورد حسادت را به دیگران معرفی ننماییم.

● هنگامی که عصبانی هستیم تصمیم نگیریم و با سعه صدر فرد مقابل خود را تحمل نماییم.

● اگر مشکلات در گروه زیاد شد به دنبال استعفا نباشیم بلکه برای حل مشکل از دیگران کمک بخواهیم.

● اگر از کسی پیش ما شکایت کردند حتما با خود شخص به صورت مستقیم صحبت نماییم تا از جوانب مختلف شکایت آگاه شویم.

● خیر خواهی و نظرات دیگران را به دقت گوش دهیم و آنچه که مورد صلاح هست را انجام دهیم.

● کسانی که قهر می­کنند، غیبت می­کنند از دیگران بد­گویی می­کنند و یا دیگران را مورد توهین قرار می دهند، از سعه صدر برخوردار نیستند.

● باید توجه داشت که سعه صدر به معنای تساهل و تسامح در امور نیست بلکه می توان همراه با سعه صدر قاطعیت نیز داشت و از خطاهای سیستمی و عمدی چشم پوشی نکرد.



عدالت

بسیار گرسنه بودم. وارد سالن غذاخوری شدم تا شامم ­را بگیرم. با سرعت به سمت پنجره­ای که آشپز از آنجا غذا توزیع می­کرد رفتم. در راه، به صف طولانی بچه­ها توجه کردم و خوشحال بودم از اینکه در صف نایستادم و می­توانم غذایم را زودتر بگیرم. همین طور که صف بچه­ها را تماشا می­کردم چشمم به چند نفر از اساتید و مربیان اردو افتاد که در میان بچه­ها در انتظار نوبت خود ایستاده بودند. برای هم دست تکان دادیم و از دور سلامی کردیم آنها به من لبخندی زدند و مرا با تعحب نگاه کردند. چرا مرا اینگونه می­نگرند؟! ناگهان به خود آمدم و کسی در درونم فریاد زد « در سپهر هیچ کس از امتیاز ویژه برخوردار نیست». مسیرخود را عوض کردم و به ته صف رفتم و مانند دیگران منتظر شدم تا نوبتم برسد.

عدالت در اردو گستره بسیار زیادی دارد.

گاهی عدالت را می­بایست میان افراد حاضر در اردو رعایت کرد مانند اینکه:

● برای افراد مجموعه خود به صورت تساوی وقت بگذاریم هنگام صحبت کردن با دیگران تبعیض قائل نشویم و اگر به دلیلی نتوانستیم، حتما وقتی را به صورت مشخص برای فرد معین نماییم.

● امکاناتی که در اختیار ما قرار می­گیرد به صورت تساوی از آن بهرمند شویم و از اینکه برای خود، اطرافیان و یا همشهریان امتیاز ویژه­ای قائل شویم به شدت بپرهیزیم.

● سعی نماییم کارها را به افراد متخصص­در گروه خود واگذار نماییم ­و از گرایش به دوستان خود بپرهیزیم.

● از خلوت کردن و جلسه خصوصی گذاشتن با نزدیکان و دوستان خود، در میان جمع و افراد گروه پرهیز نماییم.

● اگر با کسی احوال پرسی کردیم و به گرمی برخورد نمودیم و همان رفتار را با دیگر اعضای گروه نیز، داشته باشیم.

گاهی عدالت در برنامه­های اردو است مثلا نباید اجرای یک برنامه به دیگر برنامه­های اردو ضربه و خلل وارد کند سخنرانی بیش از حد در اردو ضربه به تفریح و دیگر برنامه­ها وارد می­کند. وقتی که سخنران بعد از نماز مغرب و عشاء زیاد صحبت نماید سبب می­شود که بچه­ها دیرتر به غذا خوری بروند و شام را دیرتر میل نمایند در نتیجه این تأخیر بر بقیه برنامه های اردو نیز، اثر می­گذارد. و همچنین اگر برنامه ای طول بکشد و درست در هنگام اذان تمام شود سبب می­شود که نماز جماعت با تأخیر زیاد برگذار شود که این بی­عدالتی در حقوق خداوند است.

در اردو باید میان تفریح، برنامه های علمی و معنوی و... عدالت برقرار باشد.

امام على عليه السلام مى‏فرمايد:

«مَنْ عَمِلَ بِالْعَدْلِ حَصَّنَ اللَّهُ مُلْكَهُ[[5]](#footnote-5)»

هر كسى به عدالت رفتار نمايد، خداوند او را در استمرار مسئولیتش کمک می کند.

عدالت در برخورد با دیگر مسئولین از دیگر عرصه های عدالت است که می بایست به آن توجه نمود.

اگر مسئول ما فوق خود را بیش از حدش مدح کردیم عدالت را رعایت نکرده­ایم و دچار چاپلوسی شده­ایم، اگر خوبی­های دیگر مسئول هم رده خود را ندیدیم و فقط به ضعف کار او پرداختیم دچار حسادت می شویم. رعایت عدالت در این زمینه­ها ما را از این دو صفت پلید دور می­نماید.

از دیگر عرصه های رعایت عدالت در استفاده کردن از امکانات اردو است که به خاطر مسئولیتمان از امتیازات ویژه­ای برخوردار نباشیم. البته امکاناتی که­ برای اجرای دقیق مسئولیتمان به­آن نیاز داریم از این مورد مستثنی است.

همان گونه که امام در نماز جماعت باید عادل باشد، فرد مسئول نیز باید در تمامی عرصه­ها به عدالت توجه داشته باشد تا بتواند از فضل الهی بهرمند شود و خداوند امداد خود را شامل حال او نماید.

تواضع و فروتنی

امام على عليه السلام مى‏فرمايد:

«آفَةُ الرِّياسَةِ الْفَخْرُ[[6]](#footnote-6)»

فخر فروشی آفت قبول مسئولیت است.

تواضع و فروتنی حالتی است که در فرد ایجاد می­شود و به داشتن و نداشتن امکانات بستگی ندارد ممکن است انسان با داشتن امکانات فراوان هیچ گاه اسیر آنها نشود و ممکن است در عین فقر اسیر باشد و اگر اشتباهش را به او گوش زد نمایند نپذیرد.

در مقابل تواضع و فروتنی، تکبر و فخر فروشی قرار دارد. فخر فروشی به دیگران ممکن است با تغییر حالت و رفتار ما باشد.

● مثلا لبخند به لب نداشته باشم و گمان کنم که جدی هستم.

● به دیگران سلام نکنم و برای سلام کردن منتظر باشم تا دیگران سراغ ما بیایند.

● اگر دوستانمان ما را به بازی و تفریح دعوت کردند نپذیریم.

● اگر ما را به مهمانی و خوردن غذایی دعوت کردن نپذیریم.

● در شادی آنها شرکت نکنیم.

● در کنار آنها غذا نخوریم.

● محل خواب و استراحت خود را از آنها جدا کنیم.

● از خودمان تعریف کنیم و داشته های خود را به رخ دیگران بکشیم.

نمونه‏هايى از تواضع اولياى الهى‏

1. شخص اوّل آفرينش كه پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله است، آنگونه مى‏نشست كه هيچ امتيازى بر ديگران نداشت و افرادى كه وارد مجلس مى‏شدند و حضرت را نمى‏شناختند، مى‏پرسيدند: كدام يك از شما پيامبر است؟ «ايكم رسول الله[[7]](#footnote-7)».

2. در سفرى كه براى تهيه غذا هر كس كارى را به عهده گرفت، پيامبر نيز كارى را به عهده گرفت و فرمود: «جمع كردن هيزم با من»[[8]](#footnote-8).

3. همين كه پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله ديدند براى نشستنِ بعضى فرش نيست، عباى خود را دادند تا چند نفرى روى عباى حضرت بنشينند[[9]](#footnote-9).

پوشيدن لباس ساده، سوار شدن بر الاغ برهنه، شير دوشيدن، هم‏نشينى با بردگان، سلام كردن به اطفال، وصله كردن كفش و لباس، پذيرفتن دعوت مردم، جارو كردن منزل، دست دادن به تمام افراد و سبك نشمردن غذا از سيره‏هاى حضرت بود[[10]](#footnote-10).

4. برخى شيعيان خواستند به احترام امام صادق عليه السلام حمّام را خلوت و به اصطلاح قُرق كنند، حضرت اجازه نداد و فرمود: «لا حاجة لى فى ذلك المؤمن اخف من ذلك» نيازى به اين كار نيست، زندگى مؤمن ساده‏تر از اين تشريفات است[[11]](#footnote-11).

محبت ورزى‏

شخصی که مسئولیتی را قبول می نماید اگر خشن و تندخو و غیر قابل انعطاف و روحیه محبت آمیز باشد در اجرای مسئولیت خود با مشکل روبه رو خواهد شد و افراد گروه از اطراف او پراکنده می شوند. این محبت می بایست شامل بد و خوب بشود چنانچه در روایات آمده به خداوند بنگرید که چگونه آفتابش را بر ابرار و فجار می تاباند.

در آیات قرآن خداوند خطاب به پیامبر می فرماید اگر تندخو و بد خلق بودی و نسبت به مردم محبت نداشتی افراد از کنار تو پراکنده می شدند[[12]](#footnote-12).

سر گروه می بایست به تمامی افراد گروه و شرکت کنندگان در اردو عشق بورزد و به آنها محبت کند و رابطه ای صمیمی با اعضای گروه برقرار کند.

چیزهایی که محبت و محبوبیت را زیاد می کند.

1- انصاف و عدالت که توضیح آن داده شد.

2- احسان و خوبی به دیگران و مقدم داشتن دیگران بر خود.

آقای قرائتی نقل می کرد که: زمان شاه از تبليغ آمدم هزار تومان پول منبر داشتم چون زمان شاه پول منبر به ما مى‏دانند. يك هزار تومانى به ما دادند و ما آمديم محله‏مان در قم من ديدم هزار تومان پول زیادی است چكارش كنم الآن كه نياز ندارم. به كاسبهاى محله بقال و قصاب و... گفتم: آقا من هزار تومان دارم كارش ندارم مى‏خواهيد به شما بدهم بعد به مرور زمان از شما صد تومان صد تومان جنس مى‏خرم تا تمام شود. گفتند: خيلى متشكريم قربان شما. حضرت عباسى از ما نگرفتند ولى خدا مى‏داند چند سال بهترين ميوه و بهترين نان و گوشت مى‏آوردند دم خانه‏مان مى‏دادند با ارزانترين قيمت. يعنى 8 - 7 سال چيز خوب و ارزان خورديم به خاطر يك تعارف راه مى‏رفتيم بچه‏ها مى‏گفتند سلام سلام سلام.

1- انفاق به دیگران آنچه داریم در اختیار دیگران قرار دهیم مخصوصا اگر نیازمند به آن هستند.

2- توجه و محبت بیشتر به آسیب دیدگان

3- رعایت ادب و احترام به دیگران

4- جلب رضایت الهی

تغافل و چشم پوشی

تغافل به معنى نديده انگاشتن و خويشتن را به غفلت زدن است. تغافل، يكى از روش‏هاى قابل توجه در تربيت است و در بخش‏هاى مختلف زندگى از اهميت بالايى برخوردار است، همچنين از عوامل مهم جذب و حفظ نيروها به حساب مى‏آيد.

تغافل و چشم پوشى از اين جهت موجب جذب و سازندگى افراد گروه مى‏گردد كه آبرو و كرامت آنها را حفظ مى‏كند و حريمى را كه ميان مسئول و زير دست وجود دارد نگه مى‏دارد.

بديهى است گاهى افراد گروه به دليل غفلت، آشنا نبودن با كارها و يا نگرانى‏ها مرتكب لغزش و خطا مى‏شوند. در چنين مواردى اگر نسبت به آن لغزش چشم پوشى نشود و شخصيت و كرامت فرد مورد بى مهرى و اهانت قرار گيرد، خواسته يا ناخواسته او را در مسير جسارت‏ها، برخوردهاى غرض آلود و و لغزش‏هاى عامدانه سوق مى‏دهد.

اثر تربيتى تغافل اين است كه شخص خطاكار، با احساس احترام و اعتمادى كه از سوى مسئول گروه مى‏نمايد، در جهت جبران لغزش‏هاى خود مى‏كوشد و در صدد است كه اعتماد و حسن ظن مسئول را در عمل نسبت به خويش، جلب نمايد.

 وجدان كارى و جدیت در عمل

انسانيت آدمى ايجاب مى‏كند كه هر مسؤليتى را كه به عهده مى‏گيرد آن را به نحو احسن و نیکوترین وجه به پایان برساند و از هر گونه سهل انگاری و کوتاهی بپرهیزد.

مسئول گروه به خاطر اینکه بتواند مسئولیت خود را به نحو احسن انجام دهد به طور طبیعی به برخی از محدودیت ها بر می­خورد. شاید کمتر از دیگران بخوابد، بیشتر از دیگران کار کند و کمتر بهره مند شود شاید بیشتر مورد انتقاد قرار گیرد و کمتر از او تشکر شود، پس نباید در هیچ کدام از این حالت او در مسئولیتی که قبول کرده است کوتاهی کند.

همواره باید به یاد داشته باشد که چقدر امکانات مادی و معنوی دست به دست هم داده­اند تا من بتوانم این مسئولیت را بپذیرم و آن را به نحو احسن انجام دهم پس کوچک­ترین کوتاهی در این زمینه از هیچ کس قبول نیست.

وجدان کاری اقتضاء می­کند که ما مسئولیت خود را جدی بگیریم و از شوخی و تمسخر مسئولیت خود بپرهیزیم (به خاطر اینکه دیگران شاد شوند و ما محبوب شویم از مسئولیت خود کم نگذاریم و آن را به استهزا نگیریم). به مسئولیت خود عشق بورزیم و هیچ گاه به خاطر قبول مسئولیت منت نگذاریم و آن را با چیزهای پست مانند مادیات مقایسه نکنیم.

نظم در کار

انسان به طور طبیعی در زندگی عادی خود به نظم نیازمند است اما اگر به مسئولیت او افزوده شده به نظم بیشتر و دقیق تری نیازمند است به هر میزان که به مسئولیت انسان اضافه شد احتیاج او به نظم نیز بیشتر می شود.

وقتی که من وارد اردو می شوم به خاطر اینکه مسئولیت جدیدی را به عنوان شرکت کننده در یک برنامه اجتماعی پذیرفته ام به نظم بیشتری نیاز دارم و اگر در همان اردو به من مسئولیت یک گروه را بدهند پس به نظم بسیار بیشتری نیاز دارم.

نظم در اردو می تواند شامل موارد زير باشد:

● نظم در پوشش

● نظم در وسائل شخصی

● نظم در محل استراحت

● نظم در خواب

● نظم در خوراک

● نظم در وسائل کاری(نظم در نوشتن و یاد آوری تذکرات، نظم در وسایلی که باید همراه داشته باشم و...)

● نظم در عبادات

قبول مسئولیت در اردو نباید بر عبادات واجب ما اثر بگذارد مثلا سبب شود که نماز جماعت ما به تأخیر بیفتد. قبول مسئولیت سبب نشود که خود و خدا را فراموش کنیم مثلا فقط برای دیگران برنامه اجرا کنیم و خودمان غافل شویم و از برنامه بهره مند نشویم.

یکی از مهم ترین جاهایی که باید در آن نظم اجرا شود برنامه های اردوست چرا که رعایت نکردن نظم سبب ضایع کردن حقوق دیگران در اردو می شود.

حضور به موقع در برنامه های اردو.

رعایت وعده ای که به اعضای گروه می دهیم.

نظم بین شوخی و شاد بودن و جدیت در کار.

توجه: معنای نظم غیر از برنامه ریزی است، برنامه ریزی از نظر اجرا مقدم بر نظم است اما در برنامه ریزی نیز باید نظم حاکم باشد.

تذکرات

● یک مسئول باید در اجرای مسئولیت خود اقتدار داشته باشد و با ایمان به مسئولیت خود کارها را انجام دهد.

● مسئول گروه هیچ وقت نباید اختلاف نظر خود با مسئولین اردو و دیگر مسئولین گروه ها را به افراد گروه سرایت دهد. باید از ایجاد اختلاف و بروز آن به شدت بپرهیزد و ساز مخالف زدن را یک افتخار برای خود و گروهش نداند.

● از گرایش به شخصی خاص از افراد گروه به دلیل موقعیت خانوادگی و یا ... به شدت بپرهیزیم و بدانیم که هم خدا ما را می بیند و هم در معرض دید دیگران هستیم.

● از بحث کردن و مخالفت کردن با دستورات مسئولین بلاتر در میان افراد گروه بپرهیزیم.

● با جرأت و شجاعت نقد هر کسی را فقط به خودش بگوییم.

● اگر در اردو حادثه ی ناگواری رخ داد سعی کنیم خون سردی خود را حفظ نماییم و با کمک دیگر مسئولین از سرایت دادن حادثه و ایجاد بحران بپرهیزیم.

1. - تصنيف غرر الحكم و درر الكلم   342    [↑](#footnote-ref-1)
2. - تفسیر نوین 234 [↑](#footnote-ref-2)
3. - بحار الانوار، 65/236 [↑](#footnote-ref-3)
4. - طه 25- 26 [↑](#footnote-ref-4)
5. - تصنيف غرر الحكم و درر الكلم 340 [↑](#footnote-ref-5)
6. - تصنيف غرر الحكم و درر الكلم 346 [↑](#footnote-ref-6)
7. - بحار، ج 47، ص 47. [↑](#footnote-ref-7)
8. - بحار، ج 47، سيره پيامبر. [↑](#footnote-ref-8)
9. - بحار، ج 16، ص 235. [↑](#footnote-ref-9)
10. - بحار، ج 16، ص 155 [↑](#footnote-ref-10)
11. - بحار، ج 47، ص 47 [↑](#footnote-ref-11)
12. - آل عمران 159 [↑](#footnote-ref-12)